



براساس قانون چه رفتارهای مجرمانه ای مجازات نخواهند داشت؟

موانع مسئولیت کیفری در بسیاری از کتب حقوقی به دو بخش تقسیم می‌شود: عوامل موجهه جرم (اسباب اباحه) و عوامل رافع مسئولیت کیفری.

موانع مسئولیت کیفری در بسیاری از کتب حقوقی به دو بخش تقسیم می‌شود: عوامل موجهه جرم (اسباب اباحه) و عوامل رافع مسئولیت کیفری. مورد اول که موضوع این بحث است، از علل عینی یا خارجی هستند که مانع مسئولیت کیفری و مدنی خواهند بود. علل عینی به این معناست که «شخص»؛ مرتکب عمل، موضوع قانون گذاری نیست. بلکه هر کس با هر ویژگی شخصی و ای مرتکب آن شود عملش مباح خواهد بود. علل عینی در مقابل علل شخصی قرار می‌گیرند. مورد دوم به شخص بزهکار مرتبط می‌شود و آن را علل شخصی می‌خوانند. یک نمونه از علل شخصی «صغر» است که در یادداشت دیگری به آنها خواهیم پرداخت.

به گزارش «تابناک» عوامل موجهه جرم به کیفیاتی می‌گویند که به موجب قانون، جرم را مباح می‌کنند؛ این عوامل به فعل مرتکب و نه به شخص او مرتبط است، در نتیجه شریک و معاون جرم هم معاف از مجازات خواهند بود. برعکس عوامل رافع مسئولیت که معاون و شریک را معاف نخواهند کرد. در ادامه می‌بینیم که بررسی عواملی می‌پردازیم که باعث موجه شدن جرم می‌شوند.

چهار عوامل موجهه جرم

امر قانونی

دفاع مشروع

ضرورت

رضایت مجنی علیه در برخی موارد.

طبق قانون مجازات اسلامی:

الف. در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه می‌باشد.

ب. در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ. در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذیصلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

ت. اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.

ث. عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.

ج. هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.

امر امر قانونی

در اینجا گاه خود قانون به صورت خاص جرم را مباح می‌داند. مانند افشای اسرار بیمار، در «قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار» که در حالت عادی افشای اسرار بیمار غیر قانونی است.

گاه اگر شخصی به صورت قانونی به مأمور دستوری بدهد و آن عمل جرم باشد، مباح می‌شود.

در بعضی مواقع نیز لازم است برای اجرای قانون اهم جرمی را مرتکب شد که آن هم خاصیت جرم بودن خود را از دست خواهد داد. برای مثال تخریب جایی برای نجات جان انسان؛ که تخریب مستوجب کیفر نخواهد بود.

طبق قانون:

هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دپه و ضمان، تابع مقررات مربوطه است.

همچنین:

هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دپه برعهده می‌بیت المال است. تبصره هرگاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه ممنوعه یا ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است، گردد و مطابق مقررات، هدف قرار گیرد، ضمان ثابت نیست و در صورتی که از ممنوعه بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد، دپه از بیت المال پرداخت می‌شود.

دفاع مشروع

در اینجا نیز با رعایت موارد قانونی ممکن است حتی قتلی رخ بدهد اما به واسطه می‌تصریح قانون گذار این عمل هیچگونه مجازاتی نخواهد داشت.

اهمیت این موضوع به دلیل پیشگیری از نتایج زیان‌بارتری است که اگر مجنی‌علیه اقدامی نکند، جانی پیش دستی خواهد کرد و به طور مثال او را به قتل خواهد رساند.

در دفاع مشروع باید تمام شرایط باهم جمع باشند تا عمل مباح شود.

تنها در مورد دفاع در برابر تهاجم دیوانه، دپه از بیت المال پرداخت می‌شود و در دیگر موارد دپه نیز ساقط است.

طبق قانون:

هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری بشود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف. رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب. دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ. خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت. توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱. دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده می‌بیت المال باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای

کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲. هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده می‌شود.

تبصره ۳. در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

لازم به ذکر است که مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال شود، دفاع جایز است.

ضرورت

اصطلاح معروف «الضرورات تبيح المحظورات» ناظر به همین عنوان است. که در شرایط به خصوصی شخص برای حفظ جان یا مال خود و یا دیگری در شرایط ضروری مرتکب جرمی می‌شود اما مستحق کیفر نیست. مثلاً خوردن گوشت مردار برای کسی که ناچار از گرسنگی است. یا خوردن مشروب برای کسی که در حال تلف شدن از تشنگی است.

در قانون مجازات اسلامی:

هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر این که خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

شخص مضطر برابر با شخص مجبور نیست.

در حالت اثبات اجبار، فرد اختیار و انتخاب خود را از دست می‌دهد، اما در حالت اضطرار شخص با توجه به شرایطی که در آن حضور دارد انتخابی را می‌کند که اگر مطابق با شرایط قانونی باشد، کیفر نخواهد شد.

شاید در اینجا بتوان اضطرار و ضرورت را در يك جایگاه دانست که باهم تفاوت اندکی دارند. هرچند برخی حقوقدانان این دو را کاملاً جدا از یکدیگر در نظر می‌گیرند و منشأ اضطرار را درونی ولی منشأ ضرورت را بیرونی می‌دانند.

اضطرار طبق قانون:

هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.

رضایت

به معنای نوعی اجازه می‌مندی علیه است. در قانون برخی کشورها «اتانازی» یا مرگ آرام که به خواست خود بیمار برای رهایی از درد انجام می‌شود، تصویب شده است که ناظر به همین مورد است. البته مورد پذیرش قانون ما نیست.

در قانون:

در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی‌علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق

قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه‌ی قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود.

همین‌طور:

هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره ۱. در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برائت اخذ نکرده باشد.

تبصره ۲. ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان‌های مربوطه به اعطای برائت به طبیب اقدام می‌نماید.

به طور کلی طبق قانون، رضایت، در مورد عمل جراحی و عملیات ورزشی مشروع است.